

---

---

# دانشنامه اخلاق اسلامی ۲

گامی در گسترش دانش اخلاق

---

---



تراب فولادی \*

[tfooladi@noornet.net](mailto:tfooladi@noornet.net)

## اشاره

با توجه به جایگاه رفیع و ارزشمند علم اخلاق در میان علوم و معارف اسلامی و توسعه اخلاق پژوهی در سال‌های اخیر، گروه اخلاق مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی با تولید «کتابخانه اخلاق» در سال ۱۳۹۴ و «دانشنامه اخلاق» (فهرست جامع) در سال ۱۳۹۷، امکان پژوهش نرم‌افزاری را برای جامعه اخلاق پژوهان و محققان و علاقه‌مندان این حوزه فراهم کرد. بحمدالله، تاکنون انتظارات کاربران مرکز نور در این حوزه تا حد بسیاری برآورده شده است. در این مقاله، به گزارش نسخه «دانشنامه اخلاق» پرداخته می‌شود.

**کلیدواژگان:** فهرست جامع، دانشنامه اخلاق، درختواره، فلسفه اخلاق، اخلاق اسلامی، رویکردهای اخلاق اسلامی.

---

\* پژوهشگر گروه قرآن، اخلاق و دعا - مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

## اهمیت علم اخلاق

در اسلام موضوع اخلاق از مهم‌ترین مسائل است و مسئله تزکیه نفس و تخلق به اخلاق الهی، از عوامل سعادت آدمی ذکر شده است؛ «قد أفلح من زكاهها و قد خاب من دساها (شمس: ۹ و ۱۰)؛ بی‌تردید، کسی که نفس را [از آلودگی پاک کرد و] رشد داد، رستگار شد و آن که آن را [به آلودگی‌ها و امور بازدارنده از رشد] بیالود، [از رحمت حق] نومید شد.» (شمس: ۹ و ۱۰)

طبق روایت شریف نبوی که فرموده: «إنما بعثت لأتمم مكارم الأخلاق؛ من تنها برای تکمیل فضایل اخلاقی مبعوث شده‌ام» (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰: ۵۰۰)، تکامل اخلاق فردی و اجتماعی، هدف اساسی و غایی بعثت پیامبر (ص) بوده است. بدون شک، اصلاحات اجتماعی و رشد معنوی هر جامعه، مبتنی بر پابندی افراد آن جامعه به اصول اخلاقی و تزکیه نفوس است.

به گفته دانشمند انگلیسی، ساموئیل اسمایلز (Samuel smiles): «اخلاق، یکی از بزرگ‌ترین قوای محرکه این عالم است و در فاضل‌ترین تظاهرات خود، طبیعت انسانی را در عالی‌ترین اشکال مجسم می‌سازد؛ زیرا اخلاق، معرف انسانیت واقعی است» (موسوی لاری: ۱۳۸۷: ۵۲).

## تعریف اخلاق

واژه «اخلاق» از نظر لغوی، جمع «خُلُق» و «خُلُق» به معنای خوی، طبع، سنجیه و عادت است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸۶)؛ اعم از اینکه آن سنجیه و عادت، نیکو باشد یا زشت و بد. به گفته راغب اصفهانی، این دو واژه «خُلُق» و «خُلُق»، در اصل به یک ریشه بازمی‌گردد. «خُلُق» به معنای هیئت و شکل و صورتی است که انسان با چشم می‌بیند و «خُلُق» به معنای قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹۷).

در اصطلاح دانشمندان علم اخلاق و فیلسوفان، تا به امروز برای اخلاق معانی متعددی ارائه شده است. برخی، خُلُق و اخلاق را ملکه‌ای نفسانی دانسته‌اند که مقتضی صدور کارها از انسان، بدون نیاز به فکر و اندیشه است.

ابن مسکویه در کتاب «تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق» می‌گوید: «الخُلُق حال للنفس داعية لها الى أفعالها من غير فكر و لا روية؛ خُلُق، همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می‌کند؛ بی‌آنکه نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد» (ابن مسکویه، ۱۴۲۶ ق: ۱۱۵).

برخی نیز اخلاق را تنها بر فضایل اخلاقی اطلاق می‌کنند و آن را در مقابل ضد اخلاق به کار می‌برند (ویلیام کی فرانکنا، ترجمه هادی صادقی، ۱۳۷۶: ۲۸). گاهی نیز اخلاق به معنای نهاد اخلاقی زندگی به کار می‌رود (همان: ۲۹).

به هر حال، معانی اصطلاحی متفاوتی برای اخلاق بیان شده است؛ اما می‌توان اخلاق را در اصطلاح عالمان دین اسلام، این‌گونه جمع‌بندی کرد که «اخلاق، کیفیت برای نفس آدمی است که رفتارهایی متناسب با آن از انسان بروز می‌کند؛ یعنی اگر کیفیت نفس خوب باشد، کارهای خوب، و اگر بد باشد، کارهای بد صورت می‌گیرد. پس، اخلاق، به اخلاق حسنه و خوب و اخلاق رذیله و بد تقسیم می‌گردد. این کیفیت نفسانی، ممکن است به صورت غیرراسخ و یا به شکل ملکه درآید؛ به بیانی دیگر، می‌توان گفت: «اخلاق، مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است.» به گفته برخی از دانشمندان، گاه به بعضی از اعمال و رفتاری که

از خُلقیات درونی انسان ناشی می‌شود نیز اخلاق گفته می‌شود. «اخلاق» را از طریق آثارش نیز می‌توان تعریف کرد و آن اینکه گاه فعلی که از انسان سر می‌زند، شکل مستمری ندارد؛ ولی هنگامی که کاری به طور مستمر از کسی سر می‌زند (مانند امساک در بذل و بخشش و کمک به دیگران)، دلیل بر این است که یک ریشه درونی و باطنی در اعماق جان و روح او دارد. آن ریشه را خُلق و اخلاق می‌نامند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ش، ج ۱: ۲۴).

## فلسفه اخلاق

فلسفه اخلاق، شاخه‌ای از فلسفه است که به استدلال درباره پرسش‌های بنیادین علم اخلاق می‌پردازد. درستی و نادرستی امور، شناخت امور خیر و شر، و بازشناسی فضایل، مسائل بنیادین علم اخلاق را تشکیل می‌دهند. پرسش از این مسائل بنیادین، به شکل‌گیری دو حوزه نظری منجر می‌شود: «فرا اخلاق» و «اخلاق هنجاری». فلسفه اخلاق، این دو حوزه را شامل می‌شود.

مایکل پالمر (Michael palmer) در کتاب «مسائل اخلاقی» می‌گوید: فلسفه اخلاق معمولاً به منش یا رفتار انسان محدود می‌شود. افراد عموماً رفتار و منش خود و دیگران را با الفاظ عامی مانند «خوب»، «بد»، «صواب» و «خطا» توصیف می‌کنند و فیلسوفان اخلاق درباره معنا و قلمرو این اوصاف در ارتباط با رفتار انسان تحقیق می‌کنند؛ اما دل‌مشغولی این فیلسوفان، صرفاً گزارش توصیفی از رویکردها و ارزش‌های مورد قبول مردم نیست؛ مانند اینکه «X معتقد است که جنگ، خطاست» و «Y معتقد است که سقط جنین، صواب است» اینکه X و Y چنین اعتقاداتی دارند، ممکن است برای انسان‌شناسان و یا جامعه‌شناسان جالب باشد؛ ولی برای فیلسوفان اخلاق، چندان جذابیتی ندارد. دل‌مشغولی آنان، این نیست که X و Y باید به این امور معتقد باشند؛ بلکه مهم این است که چرا آنان باید به این امور معتقد باشند؟ فلسفه اخلاق، تحقیق درباره استدلال‌هایی است که ورای باورهای اخلاقی ما نهفته است و همچنین، تحقیق درباره توجیه مواضع اخلاقی خاصی است که ما پذیرفته‌ایم.

فلسفه اخلاق، به دو شاخه تقسیم می‌شود: نخست، اخلاق هنجاری (normative ethics) است که به بررسی انواع امور خوب و بد و نحوه تعیین اعمال صواب و خطا می‌پردازد. اخلاق هنجاری، سنت اصلی تفکر اخلاقی از زمان سقراط، افلاطون و ارسطو بوده است.

شاخه دوم، فرا اخلاق (meta – ethics) است. فرا اخلاق، به تحلیل فلسفی درباره معنا و ویژگی زبان اخلاق می‌پردازد؛ برای مثال، معنای اصطلاحاتی مانند «خوب و بد» یا «صواب و خطا» را بررسی می‌کند. بنابراین، فرا اخلاق درباره اخلاق هنجاری است و در صدد فهم اصطلاحات و مفاهیمی است که در آنجا استعمال می‌شود (مایکل پالمر، ترجمه علیرضا آل‌بویه، ۱۳۹۶: ۱۵).

با توجه به تعریف علم اخلاق و فلسفه اخلاق و تبیین قلمرو هر کدام، تفاوت‌های این دو روشن می‌شود:

الف. موضوع علم اخلاق، عبارت است از صفات خوب و بد؛ از آن جهت که با افعال اختیاری انسان مرتبط است؛ اما موضوع فلسفه اخلاق، مبادی تصویری و تصدیقی اخلاق و به عبارت دیگر، اصول موضوعه علم اخلاق است. ب. روش بحث در علم اخلاق، توصیفی و نقلی است؛ ولی در فلسفه اخلاق، از روش عقلی و تحلیلی استفاده می‌شود؛ هرچند در صورتی که اخلاق توصیفی را استطراداً وارد بحث فلسفه اخلاق کنیم، روش توصیفی هم مطرح می‌شود. در این صورت، روش بحث در فلسفه اخلاق، اعم از روش بحث در علم اخلاق خواهد بود.



معانی اصطلاحی متفاوتی برای اخلاق بیان شده است؛ اما می‌توان اخلاق را در اصطلاح عالمان دین اسلام، این‌گونه جمع‌بندی کرد که «اخلاق، کیفیتی برای نفس آدمی است که رفتارهایی متناسب با آن از انسان بروز می‌کند؛ یعنی اگر کیفیت نفس خوب باشد، کارهای خوب، و اگر بد باشد، کارهای بد صورت می‌گیرد. پس، اخلاق، به اخلاق حسنه و خوب و اخلاق رذیله و بد تقسیم می‌گردد. این کیفیت نفسانی، ممکن است به صورت غیرراسخ و یا به شکل ملکه درآید



ج. هدف اخلاق، رساندن انسان به کمال از راه بیان روش کسب فضایل و زدودن صفات رذیله است؛ اما فلسفه اخلاق، در مرتبه نخست، به دنبال طرح کلی نظریه هنجاری است و در بخش فرا اخلاق، به دنبال توجیه و بنیانی برای مبادی تصویری و تصدیقی اخلاق است. طبیعی است که علم اخلاق و فلسفه اخلاق، از جهت مسائل نیز متفاوت‌اند.

#### اخلاق از دیدگاه اندیشمندان اسلامی و غربی

توجه و نگاه به مقوله اخلاق از دیدگاه متفکران اسلامی و متفکران غربی، یکسان و یکنواخت نبوده است. در یونان، مسائل علم اخلاق و اخلاق، در کنار یکدیگر مطرح می‌شد؛ اما تأکید بیشتر بر مسائل علم اخلاق بود؛ تا اخلاق. سبب آن، شاید این باشد که چون فلسفه در یونان، ملتمز به وحی نیست؛ فیلسوف باید هم مسائل علم اخلاق و هم مسائل اخلاق را با روش عقلی تبیین کند؛ اما تأکید متکلمان اسلامی، بیشتر بر مسائل اخلاق است؛ تا علم اخلاق. سبب آن، شاید این باشد که متکلم با التزام به وحی، احکام اخلاقی را که از طریق آن نازل شده است، مسلم فرض می‌کند و آنها را تنها احکام اخلاقی ممکن می‌شمارد و سپس، به تبیین و توجیه آنها می‌پردازد. از این‌رو، علم اخلاق نزد متکلم، به همان احکام اخلاقی رسیده از طریق وحی محدود می‌شود و در تبیین، تعریف و تحلیل آنها، مسائل اخلاق مطرح می‌گردد.

در غرب جدید نیز از هابز و هیوم و کانت به بعد، تأکید فیلسوفان بیشتر بر مسائل فلسفی علم اخلاق است و از این حیث، مشابهتی را می‌توان میان اخلاق کلامی در جهان اسلام و اخلاق فلسفی دوران جدید در غرب مشاهده کرد؛ هرچند این دو دیدگاه، از حیث التزام به وحی و نیز از جهات دیگر، تفاوت‌های اساسی دارند (کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی حسنت اصفهان، ۱۳۸۹، ج: ۱، ۴۰).

شایان ذکر است که تاکنون تاریخ علم اخلاق اسلامی به شکل مدون و آکادمیک نوشته نشده است. با وجود آثار فراوان و متعددی که در زمینه اخلاق وجود دارد، ناگزیر در این مقاله صرفاً از برخی از دانشمندان بزرگ که در این علم، آثاری از آنها بر جای مانده، نام می‌بریم:

۱. عبدالله بن المقفع: مؤلف دو کتاب «أدب الکبیر» یا «الأدب الکبیر» و «أدب الصغیر» یا «الأدب الصغیر» (درگذشته: ۱۴۳ق)؛

۲. ابن قتیبه دینوری: مؤلف «عیون الأخبار» (درگذشته: ۲۷۶ق)؛

۳. ابوبکر محمدبن زکریاء رازی: مؤلف الطب الروحانی والسیرة الفلسفیه (درگذشته: ۳۱۱ق)؛
۴. ابوالحسن عامری: مؤلف السعادة والإسعاد (درگذشته: ۳۸۱ق)؛
۵. اخوان الصفاء وخالن الوفاء، مجموعه رسائل (گروهی از متفکران سده چهارم هجری در بغداد و بصره که بیشتر آنها ایرانی بوده‌اند)؛
۶. ابن مسکویه رازی: مؤلف «تهذیب الأخلاق و تطهیر الأخلاق» (درگذشته: ۴۲۱ق)؛
۷. ابوطالب مکی: مؤلف «قوت القلوب» (درگذشته: ۴۸۶ق)؛
۸. عبدالله بن محمد انصاری: مؤلف «منازل السائرین» (درگذشته: ۴۸۱ق)؛
۹. عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر: مؤلف «قابوسنامه» (به زبانی فارسی) (درگذشته: اواخر قرن پنجم)؛
۱۰. ابوالقاسم قشیری: مؤلف «رسالة القشیریه» (درگذشته: ۴۶۵ق)؛
۱۱. محمدبن محمد غزالی: مؤلف «احیاء علوم الدین» (درگذشته: ۵۰۵ق)؛
۱۲. محیی الدین بن عربی: مؤلف «فصوص الحکم» و «فتوحات مکیه» (درگذشته: ۶۳۸ق)؛
۱۳. محمد مهدی نراقی: مؤلف «جامع السعادات» (درگذشته: ۱۲۰۹ق)؛
۱۴. ملا احمد نراقی: مؤلف «معراج السعادة» (درگذشته: ۱۲۴۵ق).

### علم اخلاق و فلسفه

علم اخلاق، یکی از شعب فلسفه به شمار می‌رود. در قدیم، حکمت یا فلسفه به سه شاخه منشعب می‌شد: حکمت نظری، حکمت عملی و حکمت شعری.

حکمت نظری، شامل «الهیات (فلسفه اولی)»، «ریاضیات (فلسفه وسطی)» و «طبیعیات (فلسفه سفلی)» بود. حکمت عملی، مشتمل بر «سیاست مدن»، «تدبیر منزل» و «اخلاق» بود و حکمت شعری، شامل «فن خطابه» و «جدل» و «شعر» بود.

پس از اینکه علوم تدریجاً یکی پس از دیگری از علم جامع کلی، یعنی فلسفه، جدا شد و از اواخر قرن نوزدهم تحقیقات فلسفی بیشتر متوجه عالم درون گردید، فلاسفه سعی و کوشش خود را مصروف شناختن حیات درونی و رابطه آن با جهان دیگر کردند. بار دیگر اخلاق و روان‌شناسی و منطق و زیبایی‌شناسی و حکمت اولی، جزئی از فلسفه به شمار آمدند (حسین حقانی، ۱۳۷۳: ۲۱).

بنابراین، «علم اخلاق»، شاخه‌ای از «فلسفه عملی» یا «حکمت عملی» است؛ هرچند امروزه فلسفه و حکمت، غالباً به همان معنای حکمت نظری، و آن هم شاخه اول آن، یعنی امور کلی مربوط به جهان هستی و همچنین مبدأ و معاد، اطلاق می‌شود.

### علم اخلاق و عرفان

به گفته استاد شهید مطهری (رحمه الله): «عرفان، دو جنبه دارد: یکی، جنبه نظری و دیگر، جنبه عملی. جنبه نظری آن، جهان‌بینی عرفانی است. عرفان در مقابل همه مکتب‌های فلسفی جهان، از خود یک جهان‌بینی خاصی دارد؛ یعنی یک دید خاص درباره هستی دارد که با دید هر گروهی از فلاسفه، مختلف است. این را اصطلاحاً «عرفان نظری» می‌گوییم. قسمت دوم عرفان، عرفان عملی است؛ یعنی طریقت

یا به اصطلاح، سیروسلوک انسان به سوی حقیقت. عرفان نظری، بی‌شبهت به فلسفه نیست؛ جهان‌بینی است؛ منتها جهان‌بینی‌ای که اصل بینش آن، اشراقی و قلبی و معنوی است؛ بیانش، بیان فلسفی است؛ نه اینکه بینشش هم بینش فلسفی است. بینش، بینش اشراقی است؛ منتها بعدها آن را به بیان فیلسوفانه درآورده‌اند» (مطهری: ۱۳۷۶، ج ۲۳: ۳۸۸).

اگر عرفان نظری را - که تفسیر هستی با بینش شهودی است - گونه‌ای فلسفه یا متافیزیک شهودی بنامیم، می‌توانیم عرفان عملی را هم گونه‌ای نظام اخلاقی به شمار آوریم؛ چراکه عرفان عملی نیز همچون دانش اخلاق، از «چه باید کرد»ها بحث می‌کند.

به هر حال، علم عرفان عملی با اخلاق شباهت‌های فراوانی دارد؛ از یک سو، در هر دو، گرایش به باطن به چشم می‌خورد و از سویی دیگر، هر دو، در پی تطهیر و پاک‌سازی ظاهر و باطن هستند و از دیگر سو، مفاهیم و واژه‌های مشترک بین علم عرفان عملی و اخلاق فراوان است؛ اما با همه این همسانی‌ها، بین این دو علم، تفاوت‌های بسیار جدی نیز وجود دارد که این تفاوت‌ها، منشأ تمایز کامل میان آن دو است.

تفاوت اول، آن است که محور اساسی در علم عرفان، خدای متعال است؛ اما در علم اخلاق، محور اساسی اعتدال بخشیدن به قوای باطنی انسان می‌باشد. در اخلاق، مهم آن است که از افراط و تفریط در مقوله‌های مختلف و قوای متعدد نفس پرهیز شود و انسان خود را به عفت، شجاعت و حکمت برساند. از این رو، نظام‌های اخلاقی غیرالهی نیز نه تنها معنا دارند، بلکه واقعیت خارجی یافته‌اند.

تفاوت دوم، آن است که در علم عرفان عملی، حالت سیر و حرکت وجود دارد؛ اما در اخلاق چنین معنایی مطرح نیست. در علم اخلاق، بدون آنکه ترتیبی منظور باشد، از مقوله‌های مختلفی همچون شهوت و غضب بحث می‌نمایند. از همین رو، استاد شهید مطهری از عرفان عملی، به اخلاق متحرک و پویا و از علم اخلاق، به اخلاق ساکن تعبیر می‌نمایند.

تفاوت سوم، آن است که در علم عرفان عملی، حالات، واردات و مکاشفات فراوانی که به سالک روی می‌آورد، مطرح است و از همین باب، بحث‌های گسترده‌ای در تفاوت بین خاطرات شیطانی، خواطر رحمانی و القاتات ملکی ارائه می‌شود که هیچ‌یک از اینها، در علم اخلاق مطرح نیست (امینی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۵۰).

### اصول مسائل اخلاقی

علم اخلاق، مبتنی بر اصول و معیارهای ثابتی است. در این نوشتار، اصول و محورهای مسائل اخلاقی از نگاه دانشمندان، فلاسفه و سپس، از منظر قرآن کریم بررسی می‌شود.

گروهی از فلاسفه قدیم که از بنیان‌گذاران علم اخلاق محسوب می‌شوند، برای علم اخلاق اصول چهارگانه قائل بودند و به تعبیر دیگر، فضایل اخلاقی را در چهار اصل خلاصه کرده‌اند: «حکمت»، «عفت»، «شجاعت» و «عدالت». گاه خداپرستی را هم به آن ضمیمه کرده، آن را به پنج اصل رسانده‌اند.

بنیان‌گذار این مکتب را سقراط می‌توان شمرد. او معتقد بود: نیکوکاری [و اخلاق]، بسته به تشخیص نیک و بد (یعنی دانایی) است و فضیلت به طور مطلق، جز دانش و حکمت چیزی نیست؛ اما دانش چون در مورد ترس و بی‌باکی، یعنی آگاهی بر اینکه از چه چیز باید ترسید و از چه چیز نباید ترسید، ملاحظه شود، «شجاعت» است و هرگاه درباره تمناهای نفسانی به کار رود، «عفت» خوانده می‌شود و هرگاه علم به قواعدی که حاکم بر روابط مردم نسبت به یکدیگر است، منظور گردد، «عدالت» است و اگر وظایف انسان

نسبت به خالق در نظر گرفته شود، «دین‌داری و خداپرستی» است. این فضایل پنج‌گانه، یعنی حکمت، شجاعت، عفت، عدالت و خداپرستی، اصول نخستین اخلاق سقراطی است.

بسیاری از دانشمندان اسلام که درباره علم اخلاق کتاب نوشته یا بحث‌هایی داشته‌اند، این اصول چهارگانه یا پنج‌گانه را پذیرفته و دقت‌های بیشتری روی آنها به عمل آورده‌اند و پایه‌های محکم‌تری برای آنها چیده‌اند و آنها را مبنای نگرش‌های اخلاقی خود در همه زمینه‌ها قرار داده‌اند. آنها در نگرش تازه خود به این اصول، می‌گویند: نفس و روح انسان، دارای سه قوه است:

۱. قوه «ادراک» و تشخیص حقایق؛

۲. جاذبه یا نیروی جلب منافع و به تعبیر دیگر، «شهوت» (هرگونه خواسته‌ای به معنای وسیع کلمه)؛

۳. نیروی دافعه و به تعبیر دیگر، «غضب».

سپس، اعتدال هریک از سه قوه را یکی از فضایل اخلاقی دانسته‌اند که به ترتیب: «حکمت» و «عفت» و «شجاعت» نامیده‌اند. آنگاه افزوده‌اند: هرگاه نیروی شهوت و غضب در اختیار قوه ادراک و تمییز نیک و بد قرار گیرد، عدالت حاصل می‌شود که اصل چهارم است؛ به تعبیر دیگر، تعادل هریک از قوای سه‌گانه مزبور، به‌تنهایی فضیلتی است که حکمت و عفت و شجاعت نام دارد و ترکیب آنها با یکدیگر، یعنی تبعیت شهوت و غضب از نیروی ادراک، فضیلت دیگری محسوب می‌شود که عدالت نام دارد؛ چراکه بسیار می‌شود انسان، شجاعت را که حد اعتدال نیروی غضب است دارد، ولی از آن بجا مصرف نمی‌کند؛ مثل اینکه آن را در جنگ‌های بی‌هوده و بی‌هدف به کار می‌گیرد. در اینجا شجاعت وجود دارد؛ ولی عدالت نیست؛ اما اگر این صفت فضیلت در راه یک هدف عالی و عقلانی به کار گرفته شود، یعنی با حکمت آمیخته گردد، عدالت به وجود می‌آید. به این ترتیب، علمای اخلاق تمام فضایل و صفات برجسته انسانی را زیر پوشش یکی از این چهار اصل قرار داده‌اند و عقیده دارند فضیلتی نیست، جز اینکه تحت یکی از این چهار عنوان جای گیرد و به عکس، رذایل همواره در طرف افراط و تفریط یکی از این چهار فضیلت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ش، ج ۱: ۹۹ - ۱۰۱).

اصول اخلاق اسلامی، در سه حوزه متعین است: الف. «رابطه با خدا (اخلاق بندگی)»؛ ب. رابطه با خود (اخلاق فردی)؛ ج. رابطه با دیگران (اخلاق اجتماعی). خاستگاه این سه حوزه، آیات قرآن کریم و روایات اسلامی است.

**الف. اخلاق بندگی:** رابطه انسان به خدا، الزاماتی دارد. «ایمان به حق تعالی (ایمان به وحدانیت و شرک نوزیدن)»، «توکل بر خدا»، «پرستش حق» و «خشیت در مقابل پروردگار»، از جمله مهم‌ترین آن الزامات است.

✓ ایمان به خدا، تسلیم قلبی آدمی به خداوند است و گوهر و اساس فضیلت‌های دین به شمار می‌آید. قرآن کریم نخستین پند لقمان را به فرزند خویش، شرک نوزیدن به خدا نقل کرده؛ زیرا شرک، ستمی بزرگ است: «وَ اذ قال لقمان لابنه و هو يعظه يا بني لا تشرك بالله ان الشرك لظلم عظيم» (لقمان: ۱۳).

✓ توکل به خدا که چیزی بیش از اصل ایمان است، فضیلت دیگری است که در رابطه انسان با خدا بروز می‌کند؛ «قل لن تصيبنا الا ما كتب الله لنا هو مولانا و على الله فليتوكل المؤمنون» (توبه: ۵۱).

✓ پرستش خداوند، فضیلت دیگری از رابطه انسان با خداوند خویش است؛ «قل ان صلاتي و نسكي و

محيای الله رب العالمین « (انعام: ۱۶۲).

✓ خداترسی (خشیت)، صفت ارزشمند دیگری در اخلاق بندگی است؛ «و من خشى الرحمن بالغیب و جاء بقلب منیب» (ق: ۳۳).

**ب. اخلاق فردی:** موارد اخلاق فردی، فراوان است؛ به عنوان مثال، خداوند متعال «حسد» را که حالتی درونی است، نکوهش می‌کند و از انسان می‌خواهد به بندگان او برای نعمتی که به آنها داده شده، حسد نوززند؛ «أم یحسدون الناس علی ما آتاهم الله من فضله» (نساء: ۵۴). پرهیز از تبذیر و اسراف، چشم بستن از نامحرم و پاکدامنی، از مصادیق دیگر اخلاق فردی ذکر شده در قرآن کریم هستند؛ «و لا تبذیراً تبذیراً ان المبذیرین کانوا إخوان الشیاطین» (اسراء: ۲۶-۲۷)، «قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم و یحفظوا فروجهم» (نور: ۳۰).

**ج. اخلاق اجتماعی:** وقتی اخلاق به طور مطلق به کار می‌رود، بیشتر به اخلاق اجتماعی منصرف است که به بیان اصول ارزشی حاکم بر روابط اجتماعی انسان می‌پردازد. مهم‌ترین اصل حاکم بر روابط اجتماعی، رعایت عدل و پرهیز از ظلم است. آیات متعددی از قرآن بر این مقوله دلالت می‌کنند؛ از جمله: «اعدلوا هو اقرب للتقوی» (مائده: ۸)، «واذا قلیتم فاعدلوا و لو کان ذا قربی» (انعام: ۱۵۲)، «ان الله یامر بالعدل» (نحل: ۹۰)، «ان الظالمین لهم عذاب علیهم» (ابراهیم: ۲۲). برخی از اصول اخلاق اجتماعی دیگر نیز که به نحوی از اصل (وجوب رعایت عدل و نهی از ظلم) نشئت می‌گیرند، عبارت‌اند از:

- حرمت و قبح قتل انسان بی‌گناه: «و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق» (اسراء: ۳۳)؛

- قبح سرقت و تعیین حد برای آن: «و السارق و السارقة فاقطعوا ایدیهم» (مائده: ۳۸)؛

- قبح کم‌فروشی که در غش و فریبکاری ریشه دارد: «ویل للمطففین» (مطففین: ۱). در مقابل، حُسن و لزوم وفای به عهد و ادای امانت: «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» (مائده: ۱)؛ «ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها» (نساء: ۵۸)؛

- اصلاح روابط برادران دینی: «انما المؤمنون إخوة فاصلحوا بین اخویکم» (حجرات: ۱۰) (برگرفته از: دانشنامه حوزوی ویکی فقه).

## رویکردهای اخلاق اسلامی

در یک تقسیم‌بندی می‌توان رویکردهای اخلاقی اسلامی را این‌گونه تبیین کرد:

**الف.** رویکرد فلسفی اخلاق اسلامی: این رویکرد، با نفس‌شناسی آغاز می‌شود. ابتدا قوای نفس، به‌خصوص سه قوه اصلی: قوه ناطقه، قوه غضبیه و قوه شهویه که صدور اعمال پسندیده و ناپسند به آنها مربوط است، تبیین می‌گردد. سپس، فضایل و رذایل مخصوص هر کدام بیان می‌شود. هدف اصلی در این رویکرد، شناخت نفس، فضایل و رذایل نفسانی و راه‌های سلب رذایل و جلب فضایل است.

**ب.** رویکرد عرفانی اخلاق اسلامی: رویکرد عرفانی، بر پایه رابطه با خدا و به هدف نزدیک شدن به او طراحی شده است. عرفا معتقدند منازل متعددی برای رسیدن به مقام قرب الهی وجود دارد که بدون طی آن منازل، نمی‌توان به مقام قرب الهی رسید. در این رویکرد، هدف اصلی، رسیدن به خدا و فانی شدن در اوست.

**ج.** رویکرد نقلی اخلاق اسلامی: در این رویکرد، فقط به نقل اخلاقیات، مواعظ و معارف اخلاقی موجود در



آیات و روایات پرداخته می‌شود و هدف اصلی آن، رسیدن به مقام قرب الهی با استفاده از راه‌های بیان شده در قرآن کریم و روایات است.

د. رویکرد اخلاق تلفیقی: این رویکرد، از سه حوزه: فلسفی، عرفانی و نقلی در مباحث اخلاقی بهره می‌جوید. تلفیق موجود در این شیوه، گاه روایی - فلسفی، گاه روایی - عرفانی، گاه روایی - فلسفی و عرفانی است. این شیوه، از قرن پنجم به بعد مشاهده می‌شود (رودگر، فصلنامه کتاب نقد، ش ۳۰: ۱۳۲-۱۵۴).

### معرفی برنامه

نسخه دوم کتابخانه اخلاق اسلامی با عنوان «دانشنامه اخلاق اسلامی»، در اسفندماه ۱۳۹۷ توسط گروه علمی اخلاق و دعای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی به جامعه اخلاق پژوهان تقدیم شد.

اولین و مهم‌ترین ویژگی این نسخه، ارائه دانشنامه اخلاق اسلامی است که توضیح آن خواهد آمد.

دومین ویژگی، این است که منابع برنامه افزایش چشمگیری داشته است؛ به این صورت که «کتابخانه اخلاق اسلامی» (نسخه ۱) مشتمل بر ۳۶۳ عنوان کتاب در ۶۲۰ جلد است که از آن، تعداد ۲۲۸ جلد عربی و ۱۶۳ جلد فارسی است؛ اما «دانشنامه اخلاق اسلامی» (نسخه ۲) مشتمل بر ۴۴۵ عنوان کتاب در ۷۶۵ جلد از منابع مهم در زمینه اخلاق به زبان عربی و فارسی است که در محورهای همچون اخلاق: نقلی، فلسفی، عرفانی و تلفیقی، فضایل و رذایل، آداب، حقوق، فلسفه اخلاق، انسان‌شناسی، پند و اندرز، ادعیه و تربیتی، سامان یافته است.

ویژگی سوم، اینکه رابط کاربری آن، در قالب کتابخانه استاندارد نور ارائه شده است.

### معرفی فهرست جامع (درختچه)

دانشنامه اخلاق یا فهرست جامع، پژوهشی نوین است که برای نخستین بار توسط پژوهشگران گروه اخلاق معاونت پژوهش مرکز تحقیقات کامپیوتری به سامان رسیده است. اخلاق پژوهان در پژوهش‌های اخلاقی خود، به منابع و مراجعه به سرفصل‌های آن نیاز دارند. در این مراجعه، با تفنن و تنوع سرفصل‌ها مواجه می‌شوند. کثرت منابع و دوزبانه بودن آنها در برنامه‌های دیجیتالی، این تفنن و تنوع در عناوین سرفصل‌ها را دوچندان می‌کند. حال، اگر عنوان و موضوعی با تعابیر و مترادفات گوناگونی در منابع آمده باشد، دستیابی به متن دقیق موردنظر، بسیار دشوار خواهد شد. از این رو، در دانشنامه اخلاق تلاش شده کلیه سرفصل‌های اخلاقی با تعابیر گوناگون، شناسایی گردد و برای آنها یک عنوان معیار به دو زبان فارسی و عربی انتخاب شود و سایر عناوین و سرفصل‌های فارسی و عربی، با عنوان مترادفات، جدا گردد و به عنوان اصلی اتصال یابد تا چنانچه کاربر عنوان اصلی یا مترادف را جست‌وجو کرد، به سرفصل اصلی دسترسی پیدا کند. در نتیجه، سرفصل منتخب، به کلیه متون سرفصل‌ها متصل می‌گردد. بنابراین، نیازی نیست برای هر عنوانی، جست‌وجوی جدیدی انجام دهد. این امر، باعث می‌شود با صرف زمان اندکی به تمام سرفصل‌ها دست یابد. پس، این پژوهش، فهرست جامع یا درختچه نامیده می‌شود؛ زیرا با یک جست‌جو، به کلیه سرفصل‌ها می‌رسیم.

سرشاخه‌های این دانشنامه، شامل: «مبانی اخلاق»، «رذایل»، «آداب»، «حقوق»، «اعمال سال» و «الگوهای اخلاقی معصومان (علیهم السلام)» است که موضوعات و زیرشاخه‌های هریک از سرشاخه‌ها

ذیل آن درج گردیده و آنها به منابع اخلاقی برنامه متصل شده است. فهرست مذکور، طرحی نو در جهت دسترسی دقیق‌تر و سریع‌تر پژوهشگران در قالب فهرست درختی به محتوای منابع اخلاق اسلامی است که به مدد گزینش پژوهشی عناوین مترادف، دسترسی به فهرست منابع اخلاق اسلامی را پویا و غنی‌تر می‌سازد.

دو ویژگی در این برنامه قابل توجه است: یکی، ارائه فهرست جامع مباحث اخلاقی برای رهایی از پراکندگی‌ها و آشفتگی‌های موجود در فهرست متون اخلاقی، و دیگری، ارائه عناوین مترادف و امکان جست‌وجو در آنها برای دستیابی به عنوان اصلی.

یادآوری چند نمونه، ضرورت این پژوهش را بیشتر نشان می‌دهد:

الف. خوش اخلاقی - حسن الخلق، با مترادفات: «نیک‌رفتاری»، «خوش‌خویی»، «خوش‌رفتاری»، «گشاده‌رویی»، «خوش‌رویی»، «حسن‌السمت»، «مجاملة الناس»، «لقاء الناس بالبشر»، «حسن البشر»، «طلاقة الوجه»، «التبسم فی وجه المؤمن»، «الضحک فی وجه المؤمن» و «البشاشة».

ب. عفت - العفة، با مترادفات: «ترک شهوات»، «پاکدامنی»، «تعدیل شهوات»، «اجتناب شهوات»، «إعفاف الفرج»، «عفة الفرج»، «تحصین الفرج»، «تعدیل الشهوة»، «ضبط النفس عند الشهوات»، «العفاف» و «التعفف».

ج. ورع - الورع، با مترادفات: «خویشتن‌داری از گناه»، «پیراستگی از رذایل»، «پارسایی»، «اجتناب از حرام»، «اجتناب از شبهات»، «ترک گناه»، «پرهیز از معصیت»، «الکف عن محارم الله»، «الاجتناب عن محارم الله»، «اجتناب الكبائر»، «اجتناب المعاصی» و «اجتناب الخطایا».

د. بدخلقی - سوء الخلق، با مترادفات: «إساءة الخلق»، «الشراسة»، «الانقباض من الناس»، «الزعارة»، «کج‌خلقی»، «بدخویی»، «تندخویی»، «بدرفتاری»، «ترش‌رویی» و «اخم کردن بر مردم».

ه. سکوت - الصمت، با مترادفات: «خاموشی»، «حفظ زبان»، «عفت زبان»، «کم‌گویی»، «کم‌حرفی»، «ترک ما لا یعنی من الناس»، «حفظ اللسان»، «کف اللسان»، «صون اللسان» و «قلة الكلام».

و. نیرنگ - المکر، با مترادفات: «فریب»، «نیرنگ»، «المداهنة»، «الکید»، «الخدعة»، «الخدیعة»، «الاحتیال»، «الخداع» و «الحيلة».



### تصویر کلمه «الصمت» در فهرست جامع

ز. گناه - المعصية، با مترادفات: «الذنب»، «العصيان»، «الإجرام»، «گناه»، «سرکشی» و «نافرمانی». فهرست جامع، در واقع، حد وسط و حلقه‌ای بین فهرست گزینشی و درختواره اخلاق می‌باشد. درختواره اخلاق، صورت توسعه‌یافته‌ای از فهرست جامع است که در نسخه بعدی دانشنامه اخلاق، ارائه خواهد شد.

## امکانات دانشنامه

برخی از مهم‌ترین امکانات دانشنامه، به شرح ذیل است:

۱. قابلیت نمایش کتب بر اساس: موضوعات، پدیدآور، زبان، قرن و مذهب نویسنده؛
۲. امکان جست‌وجو در آیات کریم؛
۳. بهره‌مندی از موتور جست‌وجوی پیشرفته نور، با قابلیت‌های: اولویت‌دهی پیشرفته به پاسخ‌ها؛ پالایش نتایج جست‌وجو بر اساس: کتاب، پدیدآور و زبان؛ انعطاف در برابر پیشوند و پسوند کلمات؛ محدود کردن جست‌وجو به: آیات، روایات و اشعار موجود در متون؛
۴. کتاب‌شناسی و گزارش اجمالی درباره محتوای منابع و شرح‌حال نویسندگان کتب؛
۵. امکان ایجاد میز پژوهشی جهت انجام و ثبت پژوهش‌های کاربر؛
۶. دسترسی به ابزار پژوهنگار جهت یادداشت‌برداری از کتب برنامه و ساماندهی آنها؛
۷. امکان به‌روزرسانی برنامه از طریق اینترنت و ارسال نظر توسط کاربر؛
۸. متن قرآن کریم به همراه ترجمه: فارسی، اردو و انگلیسی؛
۹. زبان واسط کاربری برنامه، به سه زبان: فارسی، عربی و انگلیسی.

## معرفی فهرست گزینشی

در فهرست گزینشی برنامه اخلاق (نسخه ۱)، فهرستی از مطالب و عناوین موجود در کتب ارائه شده و در دسترس است. در فهرست گزینشی، کاربر صرفاً با استفاده از قابلیت جست‌وجو قادر به شمارش و مشاهده فهرست مطلب موردنظر خود است که به منابع مربوط متصل هستند و او بیش از این، استفاده و بهره‌ای را نمی‌برد. حال آنکه کاربر در فهرست جامع (درختچه) و یا درختواره، با نظم و تقسیم‌بندی منطقی مطالب مواجه است. در فهرست جامع، وقتی کلمه‌ای جست‌وجو می‌شود، آن واژه در ذیل یک مبحث خاص و در یک مجموعه مشخص قرار گرفته است؛ به عنوان مثال، وقتی کاربر در فهرست جامع، کلمه «صبر» را می‌کاود، این کلمه را ذیل مجموعه «فضایل» می‌یابد که در همانجا به همه نشانی‌های مرتبط متصل شده است؛ ولی در فهرست گزینشی، کاربر مجبور است که با مراجعه به محفوظات ذهنی خود و صرف وقت زیاد، کلمات مشابه و هم‌معنا را جداگانه جست‌وجو نماید تا آمار کلمات را ملاحظه کند. چه بسا ممکن است در نهایت نیز نتواند به تحقیق جامع و کاملی برسد؛ ولی در فهرست جامع، کاربر با جست‌وجوی هر کدام از این کلمات مترادف و نزدیک، به کلیدواژه اصلی می‌رسد و نتایج مربوط به کلمه موردنظر در اختیار او قرار می‌گیرد و اتصالات را یکجا مشاهده می‌کند. ضمن اینکه در این قسمت، مترادفات را نیز مشاهده می‌کند.

در فهرست گزینشی، کاربر به‌زحمت می‌تواند در فاصله زمانی دلخواه، همه مترادفات یا برخی از آنها را به یاد بیاورد و اگر نیز همه را جست‌وجو نماید، نتایج هریک را به صورت جداگانه در اختیار دارد؛ ولی در فهرست جامع، این مشکل به طور کامل مرتفع شده است.



«کتابخانه اخلاق اسلامی» (نسخه ۱) مشتمل بر ۳۶۳ عنوان کتاب در ۶۲۰ جلد است که از آن، تعداد ۲۲۸ جلد عربی و ۱۶۳ جلد فارسی است؛ اما «دانشنامه اخلاق اسلامی» (نسخه ۲) مشتمل بر ۴۴۵ عنوان کتاب در ۷۶۵ جلد از منابع مهم در زمینه اخلاق به زبان عربی و فارسی است که در محورهایی همچون اخلاق: نقلی، فلسفی، عرفانی و تلفیقی، فضایل و رذایل، آداب، حقوق، فلسفه اخلاق، انسان‌شناسی، پند و اندرز، ادعیه و تربیتی، سامان یافته است



از جمله دیگر معایب فهرست‌گزینشی، این است که آمار جست‌وجوها با رعایت فاصله (space)، کم و زیاد می‌شوند؛ مثلاً کلمه «الصبر» بدون فاصله، ۵۶۱ مورد نشانی را نمایش می‌دهد؛ ولی با فاصله، به ۴۶۰ مورد تغییر می‌کند. همچنین، با جست‌وجوی «صبر» بدون الفولام و بدون فاصله، آمار ۹۵۲ را نمایش می‌دهد؛ ولی با فاصله، به ۷۷۴ مورد تغییر می‌کند.

نکته قابل ذکر دیگر، تفاوت آماری در فهرست جامع با فهرست‌گزینشی است؛ به عنوان مثال، کلمه «الصبر» که وضعیت نمایش آمار آن در «فهرست‌گزینشی» بیان شد، در فهرست جامع، ۹۶۲ نشانی دارد. در اینجا تفاوتی ندارد که «صبر» با الفولام باشد یا بدون الفولام، و یا هرکدام از مترادفات و یا معانی نزدیک به آن باشد؛ مانند مصابره و شکیبایی.

### طرح جدید درختواره اخلاق

درختواره اخلاق، در واقع، نسخه تولیدشده بعد از «کتابخانه اخلاق» و «فهرست جامع» خواهد بود. همان‌طور که ذکر شد، درختچه فهرست جامع، حد وسط و حلقه‌ای بین فهرست‌گزینشی (در کتابخانه اخلاق) و درختواره اخلاق می‌باشد. بنابراین، «درختواره اخلاق» پژوهشی جدید و وسیع‌تر بر پایه فهرست جامع، و با تکثر در عناوین، توسعه و غنای هرچه بیشتر پژوهشی خواهد بود.

الگوی درختواره‌ای، در دو مبحث «فضایل» و «رذایل» انجام خواهد گرفت؛ به این صورت که هرکدام از عناوین این دو مبحث، دارای زیرشاخه‌ها و زیرعناوین می‌باشند؛ مانند: فضیلت «تقوا» که در ذیل آن، مواردی همچون: «تعریف لغوی»، «تعریف اصطلاحی»، «تقوا در قرآن»، «تقوا در حدیث»، «تقوا در دعا»، «فضیلت تقوا»، «مراتب تقوا»، «شرح آثار تقوا»، «موجبات تقوا»، «موانع تقوا» و «درجات متقین» ارائه خواهد شد.

کارتابل‌های پژوهشی، به حدود ۳۰ منبع از مهم‌ترین و غنی‌ترین کتب اخلاقی نظیر: «احیاء العلوم غزالی»، «کیمیای سعادت ابن مسکویه»، «مهجة البیضاء فیض کاشانی» و «جامع السعادات نراقی» متصل می‌گردد.

## سخن پایانی

مرکز نور، با توجه به اهمیت علم اخلاق، توسعه اخلاق پژوهی در کشور و اهتمام جامعه علمی به آن در سال‌های اخیر، تاکنون اقدام به تولید نرم‌افزارهای اخلاق در دو نسخه «کتابخانه اخلاق» و «دانشنامه اخلاق» کرده است. ان‌شاءالله در آینده نیز با تولید «درختواره اخلاق»، این خدمت و رسالت را به کمال خواهد رساند. امید است در نتیجه این اقدام، جامعه اسلامی را به سوی جامعه‌ای اخلاق‌مدار سوق دهیم تا هدف اصلی رسالت نبی مکرم اسلام (ص) و همه انبیای الهی که همانا تعلیم مکارم اخلاقی است، محقق گردد. آنچه در گروه پژوهشی «اخلاق و دعا»ی مرکز نور برای رسیدن به این آرمان بزرگ مقدور هست، تولید و تکمیل برنامه‌های پژوهشی نرم‌افزاری در زمینه اخلاق است. ■

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن مسکویه، احمد بن محمد. ۱۴۲۶ق. تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق. [بی‌جا]: طبعه النور.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق. لسان العرب. بیروت: دار الصادر.
۴. امینی‌نژاد، علی. ۱۳۹۴ش. آشنایی با مجموعه عرفان اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.
۵. پالمر، مایکل. ۱۳۹۶ش. مسائل اخلاقی. ترجمه: علی‌رضا آل‌بویه، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
۶. حقانی، حسین. ۱۳۷۳ش. نظام اخلاقی اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق. مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار الشامیة، چاپ اول.
۸. رودگر، محمدجواد. ۱۳۸۳. «گذری بر منابع و مسلک‌های اخلاق اسلامی». فصلنامه کتاب نقد، ش ۳۰، بهار (پایگاه مجلات تخصصی نور).
۹. طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
۱۰. کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی حسنات اصفهان. ۱۳۸۹ش. سیری در سپهر اخلاق. قم: صحیفه خرد.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق. الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیة، نوبت چهارم.
۱۲. کی فرانکنا، ویلیام. ۱۳۷۶ش. فلسفه اخلاق. ترجمه: هادی صادقی، قم: مؤسسه فرهنگی طه.
۱۳. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۶ش. مجموعه آثار. تهران: صدرا، چاپ اول.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۷ش. اخلاق در قرآن. قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع).
۱۵. موسوی لاری، مجتبی. ۱۳۷۸ش. بررسی مشکلات اخلاقی و روانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.